

با ضعیف‌ترین نظام‌های رفاهی جهان آشنا شوید

میلیون‌ها انسان در کشورهایی با پوشش اجتماعی کمتر از ۲۰ درصد، بدون بازنشستگی، بیمه بیکاری، درمان و حمایت خانواده با مخاطرات اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو هستند

مسعود علی‌پور اقدم

روزنامه نگار



۶۶

در اتیوپی،

تانزانیا و زامبیا

بیش از ۸۰

درصد نیروی

کار فاقد هر

گونه پشتیبانه

مالی دوران

سالمندی

هستند و

مجبور به اتکا

به خانواده یا

خیریه‌اند

در جهانی که رفاه اجتماعی یکی از شاخص‌های بنیادین عدالت و توسعه است، هنوز میلیون‌ها انسان در شرایطی زندگی می‌کنند که هر حادثه کوچک اقتصادی یا اجتماعی می‌تواند زندگی‌شان را به بحران بکشد. کشورهایی که پوشش تأمین اجتماعی کمتر از ۲۰ درصد جمعیت را شامل می‌شوند، نمونه‌های عینی نابرابری ساختاری و ضعف سیاست‌های رفاهی هستند. در این کشورها، شبکه حمایتی از بازنشستگی تا بیمه بیکاری، درمان و حمایت از خانواده به‌طور جدی ناقص است و بسیاری از شهروندان برای حداقل‌های زندگی روزمره به تنهایی متکی‌اند. این گزارش با تحلیل دقیق، نمونه‌های موردی و ارزیابی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی، تصویری ملموس از ضعیف‌ترین نظام‌های رفاهی جهان ارائه می‌دهد. هدف، آشنایی مخاطبان فارسی‌زبان با چالش‌های جهانی و اهمیت بازسازی ساختارهای تأمین اجتماعی است.

پوشش بازنشستگی ناچیز جهانی

یکی از شاخص‌های اصلی رفاه اجتماعی، تضمین حداقل درآمد پس از پایان دوره شغلی است. در کشورهایی مانند اتیوپی، تانزانیا، آنگولا، زامبیا و مالاوی، درصد جمعیت تحت پوشش بازنشستگی رسمی به کمتر از ۲۰ درصد می‌رسد. این بدان معناست که بیش از ۸۰ درصد نیروی کار، بدون هیچ پشتیبانه مالی دوران سالمندی خود را سپری می‌کنند. در اتیوپی، بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد کمتر از ۵ درصد افراد شاغل در شهرها و روستاها از مزایای بازنشستگی برخوردارند و بیش‌تر بزرگی از سالمندان به کمک‌های غیررسمی خانواده یا سازمان‌های خیریه متکی‌اند. در تانزانیا و زامبیا، تنها اقلیت محدودی که در بخش رسمی دولت یا صنایع بزرگ فعالیت دارند، حق بازنشستگی قانونی دریافت می‌کنند و جمعیت وسیع بخش غیررسمی، از جمله کشاورزان کوچک و کارگران روزمند، هیچ گونه امنیت مالی بلندمدت ندارند.

این فقدان پوشش رسمی پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم دارد: فقر در دوران سالمندی گسترش می‌یابد، فشار بر خانواده‌ها افزایش می‌یابد و اعتماد عمومی به نهادهای رفاهی کاهش می‌یابد. علاوه بر این، عدم وجود

کودکان و زنان باردار، گروه‌هایی که به مراقبت‌های ویژه نیاز دارند، بیشترین آسیب را می‌بینند. عدم دسترسی به درمان باعث مرگ و میر بالاتر، کاهش بهره‌وری و کاهش سرمایه انسانی می‌شود که تبعات آن برای رشد اقتصادی بلندمدت شدید است.

حمایت ناکافی از خانواده

حمایت از خانواده‌ها شامل کمک‌های نقدی، یارانه‌ها، حمایت از کودکان و مادران باردار است. در کشورهای ضعیف پوشش مانند مالاوی و آنگولا، تنها حدود ۱۰-۱۵ درصد خانواده‌ها از مزایای حمایتی بهره‌مند می‌شوند. این کمک‌ها به‌طور معمول ناکافی، غیرهدفمند و غیرمتمرکز هستند، و بخش بزرگی از جمعیت آسیب‌پذیر، به‌ویژه کودکان و زنان سرپرست خانوار، فاقد امنیت اقتصادی لازم هستند. کمبود حمایت خانواده باعث افزایش نابرابری و فقر کودکان می‌شود. خانواده‌ها مجبورند کودکان خود را زودتر وارد بازار کار کنند یا از تحصیل باز دارند، که چرخه فقر بین نسلی را تقویت می‌کند. زنان نیز با فشار دوچندان مواجه‌اند؛ هم مسئولیت مراقبت و هم تلاش برای تأمین درآمد بدون هیچ شبکه حمایتی، کیفیت زندگی و بهره‌وری آن‌ها را کاهش می‌دهد.

پیامدهای اقتصادی گسترده

ضعف نظام‌های تأمین اجتماعی پیامدهای اقتصادی شدیدی دارد. نبود بازنشستگی رسمی و بیمه بیکاری، باعث افزایش عدم اطمینان مالی و کاهش مصرف داخلی می‌شود. فقدان بیمه درمانی کارایی نیروی کار را کاهش می‌دهد و چرخه بیماری و فقر را تشدید می‌کند. کشورهایی مانند اتیوپی و تانزانیا، با نرخ بالای اقتصاد غیررسمی، به‌طور مستقیم شاهد کاهش رشد اقتصادی ناشی از ضعف سیستم حمایتی هستند. به‌علاوه، نبود پوشش کافی، فشار بر بودجه عمومی را افزایش می‌دهد، زیرا دولت‌ها مجبورند در مواقع بحران، هزینه‌های فوری کمک‌های اضطراری را تأمین کنند. این نوع مداخله غیرهدفمند باعث می‌شود منابع محدود اقتصادی به شکل نا کارآمد مصرف شوند و توسعه بلندمدت مختل شود.

پیامدهای اجتماعی عمیق

ضعف سیستم‌های رفاهی به پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای منجر می‌شود. فقر پایدار، کاهش دسترسی به آموزش و درمان، و افزایش نابرابری اجتماعی از پیامدهای مستقیم هستند. در کشورهایی مانند آنگولا و مالاوی، فقدان بیمه بیکاری و حمایت خانواده، فشار روانی و اجتماعی قابل توجهی ایجاد می‌کند. کودکان و سالمندان آسیب‌پذیرترین گروه‌ها هستند و زنان در معرض فشار دوگانه اقتصادی و مراقبتی قرار می‌گیرند. این شرایط باعث می‌شود جامعه کمتر قادر به ایجاد همبستگی اجتماعی و اعتماد عمومی به دولت باشد که در بلندمدت رشد پایدار و توسعه انسانی را محدود می‌کند.

نمونه‌های منطقه‌ای شاخص

در آفریقای جنوب صحرای آفریقا، کشورهای اتیوپی، تانزانیا، زامبیا، مالاوی و آنگولا نمونه‌های برجسته‌ای از ضعیف‌ترین نظام‌های تأمین اجتماعی جهان هستند. در این کشورها، کمتر از ۲۰ درصد جمعیت تحت پوشش هر یک از مزایای رفاهی اصلی قرار دارند. داده‌ها نشان می‌دهد حتی کارکنان بخش رسمی در بسیاری از موارد، از دسترسی کامل به بازنشستگی، بیمه بیکاری، درمان و حمایت خانواده برخوردار نیستند. این نمونه‌ها نشان می‌دهد حتی با عضویت در سازمان‌ها یا تعامل با ISSA، عدم منابع مالی کافی و سهم بالای اقتصاد غیررسمی، ضعف ساختاری و نا کارآمدی مدیریتی باعث می‌شود نظام‌های رفاهی نتوانند عملکرد مطلوب داشته باشند.

دلایل ساختاری ضعف

عوامل اصلی ضعف در این نظام‌ها را می‌توان در چهار حوزه بررسی کرد:

● **اقتصاد غیررسمی گسترده:** بخش بزرگی از نیروی کار تحت پوشش رسمی نیست.

● **کمبود منابع مالی پایدار:** دولت‌ها بودجه کافی برای حمایت از جمعیت آسیب‌پذیر ندارند.

● **ضعف مدیریت و شفافیت:** نبود سیستم‌های اطلاعاتی و فرایندهای نا کارآمد کیفیت خدمات را کاهش می‌دهد.

● **تمرکز محدود بر بخش رسمی:** سیاست‌ها عمدتاً کارکنان رسمی را هدف گرفته و بخش غیررسمی نادیده گرفته می‌شود.

این عوامل باعث می‌شود نظام‌های رفاهی حتی با استانداردهای بین‌المللی ISSA فاصله زیادی داشته باشند.

چشم‌انداز جهانی رفاه

اگر اقدامات اصلاحی به شکل هدفمند اجرا شوند، امکان تقویت پوشش اجتماعی حتی در کشورهای کم‌درآمد وجود دارد. کشورهایی نمونه می‌توانند با ترکیب منابع مالی، اصلاح مدیریت و سیاست‌گذاری جامع، نرخ پوشش را به بالای ۴۰ درصد و حتی بیشتر افزایش دهند. این امر نه تنها رفاه اجتماعی را ارتقا می‌دهد، بلکه باعث رشد اقتصادی و کاهش نابرابری می‌شود. ضعف نظام‌های رفاهی در کشورهایی مانند اتیوپی، تانزانیا، زامبیا، مالاوی و آنگولا نمونه‌ای از چالش‌های جهانی است. کمتر از ۲۰ درصد جمعیت تحت پوشش کامل بازنشستگی، بیمه بیکاری، درمان و حمایت خانواده قرار دارند. پیامدهای اقتصادی و اجتماعی این ضعف‌ها گسترده است و نیازمند اقدامات فوری، اصلاح ساختارها، تقویت منابع و مدیریت کارآمد است.

منبع: issa.int

هوش مصنوعی، بازار کار انگلیس را لرزاند

پژوهش بانک مورگان استنلی می‌گوید بهره‌وری در انگلیس بالا رفته، اما تراز اشتغال در اثر هوش مصنوعی منفی شده است

بر اساس نتایج یک پژوهش تازه، انگلیس در میان اقتصادهای بزرگ جهان، بیش از دیگر رقا در برابر حذف مشاغل ناشی از گسترش هوش مصنوعی آسیب‌پذیر شده است. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد شرکت‌های انگلیسی طی ۱۲ ماه گذشته، در نتیجه استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی با کاهش خالص هشت درصدی در تعداد مشاغل مواجه بوده‌اند؛ رقمی که بالاترین نرخ ثبت‌شده در میان اقتصادهای پیشرو مانند آمریکا، ژاپن، آلمان و استرالیا ارزیابی شده است. این پژوهش که از سوی بانک سرمایه‌گذاری مورگان استنلی انجام شده، شرکت‌هایی را در نظر گرفته که دست کم یک سال از ابزارهای هوش مصنوعی در پنج حوزه مشخص بهره

برده‌اند؛ حوزه‌هایی شامل کالاهای مصرفی و خرده‌فروشی، املاک و مستغلات، حمل‌ونقل، تجهیزات مراقبت‌های بهداشتی و خودروسازی. نتایج نشان می‌دهد اثر هوش مصنوعی بر بازار کار در انگلیس نه تنها محسوس، بلکه ساختاری و پایدار بوده و می‌تواند در دوره‌های بعد نیز تکرار شود.

بهره‌وری بالا و عقب‌نشینی اشتغال

بر پایه داده‌های این پژوهش، کسب‌وکارهای انگلیسی به طور متوسط افزایش ۱۱.۵ درصدی بهره‌وری را به کمک هوش مصنوعی تجربه کرده‌اند. این رشد بهره‌وری، از منظر اقتصادی دستاوردی چشمگیر محسوب می‌شود، اما هم‌زمان

پیامدهای اجتماعی آن در قالب کاهش فرصت‌های شغلی نمایان شده است. در مقابل، شرکت‌های آمریکایی نیز افزایش بهره‌وری مشابهی گزارش کرده‌اند، با این تفاوت که در ایالات متحده، ایجاد شغل از حذف آن پیشی گرفته و تراز اشتغال مثبت باقی مانده است. پژوهش یادشده تصریح می‌کند فشار بر کارکنان انگلیسی با عوامل بیرونی نیز تشدید شده است؛ از جمله هزینه‌های بالاتر و افزایش مالیات‌ها که به کاهش ظرفیت استخدامی بنگاه‌ها انجامیده است. گزارش‌ها همچنین نشان می‌دهد نرخ بیکاری در انگلیس به بالاترین سطح چهار سال اخیر رسیده؛ وضعیتی که بخشی از آن به رشد حداقل دستمزد و افزایش سهم بیمه ملی کارفرمایان مرتبط دانسته می‌شود.